

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

شام غریبان - موضوع: نسبت عاشورا با شب قدر

جله پنجم - استاد اخوت ۱۵/۷/۲۱

واقعه عاشورا بزرگترین رخدادی بود که بر اثر جرم و جنایت اتفاق افتاده است.

از طرفی به همه انسان‌ها باید تبریک گفت به این دلیل که انسان مقام حقیقی خود در این عرصه را نشان داد. و از طرفی این فاجعه را باید به همه انبیاء و اوصیا تسلیت گفت چون در بین انبیاء و اولیاء که تقریباً همه آنها به طرز فجیعی به شهادت رسیدند، فجیع‌ترین حادثه‌ای بوده که اتفاق افتاده است. به همین دلیل در اولین رکعت نماز بعد از ناحیه مقدسه، سوره انبیاء را می‌خوانید چون دارید به همه انبیاء تسلیت می‌گویید.

علت اینکه دعای علقمه را برای خواندن انتخاب کردیم این است که برای مومن بعد از عاشورا چیزی جز دعا و التجاء به خدا انسان را تسکین نمی‌دهد، چون غمی نیست که بتواند به چیزی جز خدا و ذکر خدا التیام یابد.

دعای علقمه دعایی است که سراسر ذکر خداست.

انسان در طی سال معمولاً در دو ایام حس می‌کند که زندگی‌اش دارد کن فیکون می‌شود. به همین خاطر در این ایام حتی آدم‌های معمولی و پایین‌تر از معمولی هم (به جهت مذهبی) در خانه‌هایشان نمی‌مانند و بیرون می‌آیند؛ یکی شب قدر است و دیگری ایام عاشورا و این دو با هم ارتباط نیز دارند. ارتباطشان هم این است که آدم‌هایی که دین دارند احساس می‌کنند در این دو مقطع می‌توانند زندگی‌شان را تغییر دهند و فضای دیگری را برای خودشان ایجاد کنند.

البته در مورد شب قدر، سوره آمده است (سوره مبارکه قدر) اما در مورد عاشورا سوره‌ای نیامده است.

البته طبق روایاتی که ائمه (علیهم السلام) سرنخش را به ما داده‌اند، فرموده‌اند سوره مبارکه فجر سوره امام حسین (علیه السلام) است و حتی آیات آخرش نیز مربوط به شهادت امام حسین (علیه السلام) است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)
 وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)
 لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)
 تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴)
 سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَالْفَجْرِ (۱)
 وَكَيَالِ عَشْرِ (۲)
 وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ (۳)
 وَالْأَيْلِ إِذَا يَسْرٍ (۴)
 هَلْ فِي ذَٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ (۵) ...
 این دو سوره نیز با هم مرتبط هستند.

همانطور که شب قدر، شب تمام عمر است، از روز عاشورا نیز بنظر می‌رسد می‌توان چنین توقعی را داشت. ما احیای شب قدر داریم اما احیای شب عاشورا نداریم. ان شاء الله به مرور زمان کم‌کم عقل‌مان رشد می‌کند که احیای شب عاشورا نیز داشته باشیم. فعلا درک‌مان تا همین حد است که مرثیه بخوانیم و به سر و سینه بزنیم.. ان- شاء الله بعدها درک‌مان می‌رسد که مقداری هم دعا بخوانیم. به هر حال کم‌کم عقل‌ها شکوفا می‌شوند و تازه می‌فهمند در این گنجینه‌ای که خداوند قرار داده است علاوه بر همه محاسنی که دارد، شب قدری هم در آن هست. با خود فکر می‌کردم اگر بخوایم شب عاشورا را مانند شب قدر برگزار کنیم چه مناسکی باید انجام بدهیم و چه شباهت‌هایی بین این دو شب هست. فقط به چند مورد اشاره می‌کنم و می‌گذریم.

اگر کسی شیعه امام حسین (علیه السلام) باشد در روز عاشورا دلش می‌خواهد یکبار دیگر از گناهان خالی شود مثل زمانی که از مادر متولد شده است. با خودش فکر می‌کند چرا امام حسین (علیه السلام) شهید شده است؟ برای اینکه دست از گناه برداریم.. و توبه می‌کند و سعی می‌کند تا گناه نکند. مانند اتفاقی که در شب قدر می‌افتد با این تفاوت که در شب قدر باید به آدم بگویند اما در روز عاشورا اتفاقی که افتاده است انسان را به تفکر وامی‌دارد.

فهم شب قدر را باید به آدم بگویند. اما روز عاشورا که می‌شود گویی در همان حس و حال شهادت قرار می‌گیریم و حتا عزاداری‌ها هم فرق می‌کند. تا قبل از شب عاشورا یک جور است و بعد از عاشورا جور دیگری می‌شود. بعد از شب عاشورا همه سعی می‌کنند آرام‌گریه کنند. دقیقا آدم خودش را در آن صحنه قرار می‌دهد. مثل اینکه خدا یک شب قدر دیگر برای انسان گذاشته باشد.

با خودم حسرت خوردم که چرا با عاشورا مانند شب قدر معامله نکرده‌ام و چرا احساس نکردم که "خیر من الف شهر" است. احساس نکردم که از خدا حاجت‌های "خیر من الف شهری" بخواهم. نمی‌دانستم.. و فکر می‌کردم همه چیز را باید به آدم بگویند. در صورتی که همه چیز را که به آدم نمی‌گویند! چیزهای را به آدم می‌گویند و بقیه را باید خودش بفهمد.

خواهشی که دارم این است که این بحث را در وجود خود پیورانید شاید حال و هوای ما نسبت ما به عاشوراهای دیگر فرق کند.

خوب است تا آدم همه چیزهایی که در مورد شب قدر گفته‌اند را برای روز عاشورا هم ببیند با این تفاوت که نگفته-اند و خودش باید بفهمد. حتی سوره‌هایش را خودش باید بفهمد. سوره انبیاء را باید بخواند. سوره‌ای که همه انبیاء می‌آیند پایین و در رکعت دوم سوره حشر بخواند. چرا سوره حشر بخوانم؟.. چون تو الان همه اسماء را دیدی و همه اسما تجلی پیدا کرد. به عاشورا باید طوری نگاه کرد که اسماء را در آن دید. نباید فقط آن را از منظر مصیبت دید.

شب قدر با کاسه‌گدایی در خانه خدا می‌روند و از خدا می‌خواهند که گره از کارشان باز شود اما در عاشورا انسان فکر می‌کند می‌شود گره‌ای از کار دین باز کند؟ می‌شود امر به معروف را احیا کند؟ چه شب قدری می‌شود.. آنجا دلش می‌خواهد، بگیرد اما این جا دلش می‌خواهد عطا کند. خیلی تفاوت کرد.

مثل اینکه خدا دو شب قدر برای انسان قرار داده است. شبیه "انا لله و انا اليه راجعون". یکی در قطب "انا لله" و دیگری در قطب "انا اليه راجعون".

کاش این مطالب را در شب عاشورا گفته بودیم. اما اشکالی ندارد می گویند تا چند شب بعد از شب قدر نیز، شب قدر است.

خدایا می شود کاری به ما یاد بدهی که با انجامش تقدیرمان عوض شود؟..

تا همچنان فضای قبل از عاشورا ست و فصل اسارت شروع نشده است، هر کس عهده را با خدا ببندد که مثلا این صفت بد را از خودش دور می کند یا عهد کند که این کار خوب را برای دیگران انجام خواهد داد.

سیستم این شب قدر این است که دعاهای انسان مستجاب می شود. اما کدام دعا؟ دعاهایی که اراده پشت آن باشد. انسان بخواهد.

این دو شب قدر خیلی عجیب هستند. مثل روز و شب است. در آیه نیز آمده که "ليله القدر خير من الف شهر" و بعد "والفجر و ليال عشر".

پس دومین خصوصیت این شب قدر این شد که در شب قدر انسان دعا می کند چیزی را به او بدهند و این ایرادی هم ندارد اما در این شب قدر که روز عاشورا است با امام حسین (علیه السلام) عهد می بندد که کاری را انجام بدهد.

همانطور که در شب قدر حاجت می خواهید مثلا خانه می خواهید و چگونگی آن را هم مشخص می کنید یا بچه می - خواهید و جنسیت اش را هم تعیین می کنید، در روز عاشورا هم جزیی عهد ببندید که فلان کار مشخص را انجام خواهم داد نه اینکه کلی بگویید! کلی هم دعا نکنید. تفضیلی دعا کنید. دعا به تفضیلش است.

چرا هیئت های ما و این همه عزادار نمی توانند امر به معروف و نهی از منکر کنند؟ چون کلی می خواهند انجام بدهند. اما اگر چند نفر شوند و هر کدام یک وظیفه جزیی را مشخص کند و با امام حسین (علیه السلام) عهد ببندد و انجام بدهد، شدنی خواهد شد.

نکته سوم این که شب قدر، شب ذکر است اما شب قدر دوم، شب قیام است. در هر دو قرآن خوانده می شود اما در شب قدر اول ذکر خوانده می شود و در شب قدر دوم قیامی.

اگر اسباب قیامش، اسباب جهاد شد معلوم است که شب قدرش قبول بوده است.

لذا مصائبی که برای اهل بیت (علیهم السلام) خوانده می‌شود اگر انسان را در مسیر قیام حرکت بدهد، شب قدرش قبول بوده است و اگر در مسیر قعود حرکت داد، معلوم می‌شود شب قدرش قبول نیست. اصلاً شب قدر نیست چیز دیگری است زیرا ماهیت شب قدر این نیست.

بعد نگاه که می‌کنید می‌بینید خدا مثل شب قدر، منسکی برای انسان گذاشته است به نام نماز. همه این‌ها در نماز مرور می‌شود.

چهارمین خصوصیت این است که در شب قدر اول، مقام خلقت و نزول و.. خیلی مهم می‌شود و در شب قدر دوم مقام بعثت و هرچیزی که انسان را به بعثت می‌کشاند مثل انقلاب، حشر، قیامت و...

در واقع مثل اینکه این آدم جانش آمده کف دستش... قسمتی از دعای ناحیه مقدسه حضرت که شرح مصیبت و حال خودشان را می‌دهند وصف امام حسین (علیه السلام) است، یکی از خصوصیات را اینگونه ذکر می‌کند که "وَفِي عَمْرَاتِ الْمَوْتِ سَابِحاً" یعنی در فراز و نشیب‌های مرگ شنا می‌کرد. یعنی جانش کف دستش بود و شنا می‌کرد. تعبیر خیلی عجیبی است. از دست دادن دنیا برایشان مهم نبود.

شب قدر دوم بعثتی است، یعنی جان انسان را بیرون می‌کشد و کف دستش می‌گذارد. این انسان دیگر برایش فرقی نمی‌کند در کجا و چه شرایطی زندگی می‌کند، در سختی است یا در آسانی، فقط در پی این است که برای خدا باشد.

خدا دو شب قدر برای انسان قرار داد؛ شب قدر اول از آسمان به زمین می‌آید و در شب قدر دوم از زمین به آسمان می‌رود و این دو حالت را در سوره معارج و سوره سباء گفته است.

خیلی عجیب است که شما در سوره سباء می‌خوانید که برای خدا در دنیا حمد است و در آخرت نیز حمد است.

شب قدر این دو قطب را با هم دارد. پس نمی‌شود کسی یکی از این دو شب قدر را درک کند و دیگری را درک نکند.

برای همین کسی که شب قدری می‌شود برای فسق که در جامعه است تدبیر دارد. فسق را می‌شناسد و با آن مقابله می‌کند. وقتی یه بلایی به او می‌رسد کاسه چه کنم چه دست نمی‌گیرد. میل به پشیمانی از دین دارد. نمی‌گوید چرا دولتمردان...؟ چرا...؟ این ادبیات شب قدر نیست.

ادبیات شب قدر این است که می گوید: من چگونه دین را نصرت کنم؟

فکر می کند من چگونه می توانم عدل را گسترش دهم؟ و نه اینکه چرا عدالت اجتماعی اجرا نشد!

"كُنْتَ رَبِيعَ الْاَيْتَامِ"، تو بهار یتیمان بودی "وَعِصْمَةَ الْاُمَمِ" نام پشتیبان مردم بودی

"وَعِزَّ الْاِسْلَامِ" عزت اسلام بودی، "وَمَعْدِنَ الْاَحْكَامِ"، وَحَلِيفَ الْاَنْعَامِ"

"كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَلَدًا، وَ لِلْقُرْءَانِ سَدًّا"^۱ یعنی هرکس می خواهد قرآن را بفهمد باید سراغ تو بیاید.

شب قدر دوم بعثتی است و کارکردش این است که فرد را به سمت قیامت راه می اندازد. سوره فجر را هم بخوانید همین طور است با این تفاوت که سوره فجر ویژگی های آدمی که نمی تواند به شب قدر دوم برسد را مطرح می کند. گویی شب قدر اول را هم درک نکرده است.

فهم خدا برایش به فهم نعمت ها بستگی دارد. یعنی خدای او، خدای داد و ستدی است.

خصوصیت دیگر شب قدر دوم این است که این شب قدر دوم است که آدم ها را از دنیا می کند. "والنازعات غرقا.."

اگر بنا باشد کسی هدایت شود، اول باید در شب قدر دوم از تعلقات دنیوی کنده شود. این مقدم است.

لذا باید شب قدر دوم را حفظ کرد تا بتوان به درک شب قدر نائل شد.

عاشورا را برای درک شب قدر پاس بداریم. شب قدری که صاحبش امام زمان (عج الله تعالی فی فرجه) است.

اگر موفق بشویم که شب قدر را از طریق عاشورا درک کنیم آن وقت خلا نبود امام را به واقع درک خواهیم. چون نبود امام یعنی نبود مقام رجوع شونده.

چیزی که در مورد امام باید بفهمیم این است که انقلابی باید درون انسان اتفاق بیافتد که دنبال امامش بگردد و امامش را بیابد. به این می گویند نظام امامت. شب قدر دوم می تواند چنین انقلابی را در ما رقم بزند.

مناسک دو دسته می شوند. مناسک شب قدری و مناسک عاشورایی.

مناسک شب قدری می شود نماز و مناسک عاشورایی می شود حج.

^۱. زیارت ناحیه مقدسه

یعنی شما حج که می‌روید هر حجی باید به شب قدر دوم ختم شود. برای همین وقتی شما به زیارت امام حسین (علیه السلام) می‌روید گفته می‌شود معادل صد حج یا هزار حج است.

یعنی ثوابش را با نماز نمی‌گویند بلکه با منسک حج می‌گویند.

پس مناسک دو دسته می‌شوند "مناسک شب قدری" و "مناسک عاشورایی" که همان مناسک قیامی است. بعد مناسک عاشورایی هم دو دسته می‌شود: مناسکی مثل حج که عنصر قیامت‌گرایی عنصر اصلی‌شان است، و یکی هم می‌شود عاشورا که باز هم عنصر اصلی‌اش آخرت‌گرایی است و لقاء الله نیز هست.

یعنی لقاء الله بودن عاشورا بین نماز و حج قرار می‌گیرد.

منسک زیارت سه تا رکن دارد: ۱. قیام؛ یعنی حتی اگر راه دور هم باشی می‌گویند به پشت بام خانه ات برو. فضایت را عوض کن.

۲. سلام ۳. بعد نماز است.

یعنی دقیقاً جمع بین منسک نماز و حج می‌شود زیارت.

آن چیزی که شب قدر درست می‌کند، منسک است. میقات درست می‌کند. مثل کوه طور درست می‌کند.

ان شاء الله که برکت این شب، شب قدر را پیدا کنیم و برکت شب قدر عاشورا را پیدا کنیم و این تبدیل به یک جریان آخرت‌گرایی و... امام بشود.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات